

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: اوری آونری
برگردان از: حمید بهشتی
۲۹ فبروری ۲۰۱۶

سرپوش



رُنی الشاییش

او به معنی واقعی کلمه از ناکجا آباد آمده

پولیس اسرائیل به ریاست جدیدی احتیاج داشت. نفر پیشین، دوره ریاست خود را پشت سر نهاده بود، بسیاری از افسران پولیس به محاکمه کشیده شده بودند، زیرا به همکاران زن خویش آزار جنسی رسانده، یکی از آنها پس از اتهام به رشوه گیری خودکشی کرده بود. این است که کسی را از بیرون آوردند. به مجرد این که بنیامین نتانیاہو گزینش خویش را اعلان نمود، همه به شگفتی افتادند: رُنی الشاییش؟ این دیگر از کجا آمده؟

او گذشته از سبیلی که پشت لب دارد به پولیس بی شباهت بوده و تا کنون کوچک ترین رابطه ای با کار پولیس نداشته است. او در حقیقت معاون مخفی رئیس شین بت، پولیس مخفی داخلی بود. بدگویان به نجوا می گفتند یک دلیل ساده برای این انتصاب شگفت آور است: دوره ریاست سرگرد شین بت داشت به پایان می رسید و نتانیاہو نمی خواست که الشاییش جای او را بگیرد. لذا او را به سرکردگی پولیس گمارد. نام الشاییش تحریفی است از آل- شیخ به معنی «شخص سالخورده». پدر او یمنی تبار است و مادرش مراکشی. او اولین رئیس پولیسی است که سرپوش کپه بر سر دارد و نیز اولین رئیس پولیسی که اشغالگر بوده. ما همگی در انتظار اولین سخنان مهم او بودیم. در این هفته وی در باره مادرانی که در سوگ پسرانشان به سر می برند چنین به زبان آمد:

الشاییش مدعی شد که فراق دردناک، یک احساس یهودی است. مادران یهودی در غم فرزندانشان سوگ آوری می کنند. مادران عرب غمناک نمی شوند. و به همین دلیل به فرزندانشان اجازه می دهند بر روی سربازان ما سنگ پرتاب کنند، با این که می دانند آنها احتمالاً کشته خواهند شد.

آیا این بدوی به نظر نمی رسد؟ واقعاً هم بدوی و تا حدی نیز ترسناک است که رئیس پولیس جدیدمان، کسی که باید مراقب آرامش و نظم باشد، یک چنین سخنان بی مبنائی را بر زبان آورد. چند روز پس از آن وزیر دفاع مان، موشه یالان، نیز که امپراتوری بزرگ تری را در اختیار دارد ادعای مزبور را تکرار کرد. سوگ آوری عرب ها با سوگ آوری یهودیان قابل مقایسه نیست. این بدان دلیل است که یهودیان زندگی را دوست دارند در حالی که عرب ها مرگ را. هنگامی که سربازان شجاع ما (همه سربازان ما شجاع هستند) زندگیشان را فدا می کنند به این خاطر است که آنها زندگی ملت ما را دوست دارند، در حالی که تروریست های عرب برای رفتن به بهشت حمله انتحاری می کنند. مادرانشان آنها را بدین کار تشویق می کنند. عرب های اینگونه اند.

تمامی این وطن پرستان افراطی بسیار کم سن تر از آن هستند که به خاطر آورند روزی را که مادران یهودی در فلسطین پسران و دخترانشان را تشویق می کردند به سازمان های زیرزمینی پیوسته و علیه اشغال انگلیسی های بجنگند (البته در جنگی به خاطر حیات ملت). شاید پولیس های انگلیسی درست به همین گونه در باره مادران یهودی می اندیشیدند و فراموش می کردند که هنوز چند سالی نگذشته بود که میلیون ها اروپائی سفید پوست با دعای خیر مادرانشان به قشون هائی پیوسته بودند تا یکدیگر را بکشند، به خاطر زندگی و آزادی.

این که دوتن از اینگونه شخصیت های برجسته اینچنین سخنان پوچی را بر زبان می آورند فقط یک دلیل می تواند داشته باشد: آنها خط و ربط توجیهی را که روزانه از مقر نخست وزیری به کلیه وزراء و مأموران عالیرتبه می رسد، تکرار می کنند. (در اسرائیل ما تمایلی نداریم واژه تبلیغات را به کار بریم - به جای آن به زبان عبری از «حسبره» به معنی توضیح یا توجیه استفاده می کنیم).

کلامی نیز در باره کپه رئیس پولیس

زمانی که من در تل آویو جوانسال بودم به ندرت کسی را می دیدم که کپه بر سر داشته باشد. در مدرسه نیز (که ۱۴ سالگی آن را برای کسب معاش ترک کردم)، نه در ایرگون و نه در ارتش از دوستان کسی را نمی دیدم که اینگونه سرپوش به سر گذارد. جوانان خجالت می کشیدند آن را بر سر داشته باشند.

امروزه قریب به نیمی از کسانی که در تلویزیون دیده می شوند آن را با افتخار بر سر می گذارند. برخی از آنها آن را به نحوی بر سر دارند، یا در آن مقیاس که دوربین عکس برداری صورتشان را نمی تواند نشان دهد. اما کارکنان دولت آن را همچون نشان شرافت حمل می کنند تا نشان دهند از جمله مؤمنان واقعی به ایدئولوژی حاکم هستند. مانند ستاره سرخ در چین یا کراوات در امریکا.

در عرض ماه های گذشته نتانیاهو افراد تازه ای را بر پست های مختلف دولتی منصوب نموده. یکی از آنها رئیس پولیس است. یکی دیگر دادستان کل کشور است (که مشاور حقوقی دولت نامیده می شود) و کارمندی دارای اختیارات عظیم. یکی دیگر رئیس جدید شین بت است. همه آنها خلاف پیشینیان خود در آن مقامات کپه بر سر دارند.

برای توضیح اهمیت آن می باید به کاراکتر دین یهود توجه نمود. که کاملاً با مسیحیت فرق دارد و به اسلام بسیار نزدیک است. تمامی حرّافی ها در باره سنت یهودی- مسیحی بر بی توجهی بدین امر بنا شده است.

واژه عبری برای دین «دات» است و مانند واژه عربی «دین» به معنی «قانون». یهودیت مبتنی است بر یک رشته امرها (فقط در انجیل ۶۱۳ مورد است) که از جانب خدا نازل شده اند. بدین منظور خدا ما را به عنوان ملت خود برگزیده و به ما سرزمین مقدس را اعطاء نموده است. هیچ کس نمی تواند یهودی باشد بدون این که به ملت یهود که تا ابد سرزمین مقدس بدان تعلق دارد، وابسته باشد.

از ۲۰۰۰ سال پیش و پیش تر از آن یهودیان در سراسر گیتی پراکنده بودند. رابطه آنها با سرزمین مقدس فقط جنبه معنوی داشت. «ملت» یهود فقط یک ابداء دینی بود.

سپس صهیونیسم به وجود آمد که در پایان قرن ۱۹ تأسیس شد. قریب به همگی مؤسسان آن از منکرین خدا بودند. آن ها به خدائی که یهودیان را در دنیا پراکنده بود، باور نداشتند.

زمانی که من جوان بودم هیچ کس در این کشور سخن از کشوری یهودی نمی گفت. سخن ما در باره «کشوری عبری» بود. یک گروه افراطی (با نام مستعار «کنعانیان») مدعی بودند که ما ملت عبری تازه ای هستیم که هیچ ربطی به یهودیت ندارد. اکثر افراد دوران ما بدینگونه فکر می کردند، با این که همه آنها عین این سخنان را نمی گفتند.

غالباً از من می پرسند چرا فردی نظامی گر مانند داوید بن گورین، اولین نخست وزیر و وزیر دفاع اسرائیل، دانش آموزان دیندار را از خدمت نظام معاف نمود. پاسخ من بسیار ساده است: او نیز مانند اکثر ما بر این باور بود که دین یهود در این کشور به نابودی کشیده می شود. صهیونیسم جای آن را گرفته است. پیشکسوت جدید عبری به این اباطیل دیگر نیازی ندارد.

سپس جنگ ۱۹۴۷ پیش آمد و پیروزی که غیر مترقبه بود. فتح تمامی این سرزمین تا رود اردن به انضمام همگی شهرهای مقدس. دین یهود از نابودی بسیار فاصله گرفت. یهودیت ناگهان مجدداً حیاتی تازه یافت و اکنون به سرعت در حال گسترش است. کپه را نیز همه جا می توان مشاهده کرد، به ویژه در میان اشغالگران.

این دین تجدید حیات یافته به شدت با دست راستی های افراطی مربوط است. با ناسیونالیست های مفرط و ایدئولوژی عرب ستیز. این موجی که نتانیاوهوی بی دین که حلال خوار نبوده و سوپر ناسیونالیست آپورتونیست می باشد بر آن سوار است. عملاً هر روزه قوانین دینی و طرح های قانونی تازه ای وضع و ابداء می شوند.

بر مبنای یکی از این طرح های قانونی قاضی در صورت تردید می باید به شریعت یهودی «هالاخا» مراجعه نماید. این قوانین قدیمی که برخی از آنها ۲۵۰۰ سال قدمت دارند، زنان را کم ارزش تلقی نموده، گزینه جنسیتی با همجنس را به سنگسار محکوم می کنند و این با زندگی مدرن همخوانی ندارد. بر مبنای یکی دیگر از طرح های قانونی اکثریت آراء در مجلس (کنست) حق دارند آن اعضاء مجلس را که کشور را کشوری یهودی و دموکرات ندانند اخراج کنند که به جز جمع تناقض نیست. کتب درسی مدارس غیر دینی را به غالب دینی در می آورند (اما هنوز به آتش نمی کشند). آموزگاران مستقل را از خدمت منفصل می کنند. وزیر فرهنگ طبیعتاً کپه بر سر دارد. ۶ تن از اعضای شورای تعلیمات عالی، اداره مربوطه را ترک کرده اند زیرا مساعی دولت بر آن است که نمادها و پیکره ها را پر از مفاهیم تبلیغی ناسیونالیستی و دینی نمایند.

حال معلوم نیست نیروهای به اصطلاح چپ در این میان چکار می کنند. آن ها نامرئی گشته اند. به جز تتی چند که باقی مانده اند و فراکسویین عربی که تحت نظر می باشد، همگی سکوت کرده، بر این باورند که می باید به جهت راست تمایل گردند، تا سرهای خود را از فرو رفتن در آب مقدس حفظ کنند.

برای من شگفت آور نخواهد بود اگر شبی تلویزیون را روشن کرده و ببینم: این سر بنیامین نتانیاوهو است که به یک کپه زیبا ترین یافته است.

برگرفته از تلاکسکالا- ۲۷ فبروری ۲۰۱۶

<http://www.tlaxcala-int.org/article.asp?reference=17348>